



قال الله تبارك و تعالی:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّهَا﴾

سوره مبارکه شمس، آیه ۹

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

نفاق

شناسنامه مطلب	
t-245	کد مطلب
تزکیه‌ای/تقوای عمومی/رذائل و فضائل/رذائل/سطح شناخت	رده
تزکیه، تربیت نفس، نفاق، دورویی، امام خمینی	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

عن أبي عبد الله، عليه السلام، قال: **من لقي المسلمين بوجهين و لسانين، جاء يوم القيامة و له لسانان من نار.** [۱] ترجمه «حضرت صادق، سلام الله علیه، فرمود: «کسی که دیدار کند مسلمانان را به دو رو و دو زبان، بیاید روز قیامت و حال اینکه از برای اوست دو زبان آتشی.»» شرح معنی «دورویی» بین مسلمانان آن است که انسان ظاهر حال و صورت ظاهرش را به آنها طوری نمایش دهد که باطن قلب و سریره‌اش به خلاف اوست. مثلاً در ظاهر نمایش دهد که من از اهل مودّت و محبت شما هستم و با شما صمیمیت و خلوص دارم، و در باطن به خلاف آن باشد، و در نزد آنها معامله دوستی و محبت کند، و در غیاب آنها غیر آن باشد.

و معنی «دو زبانی» آن است که با هر کس ملاقات کند از او تعریف کند و مدح نماید یا اظهار دوستی و چاپلوسی کند، و در غیاب او به تکذیب او و غیبتش قیام کند.

بنابر این تفسیر، صفت اوّل نفاق عملی است، و صفت دوم نفاق قولی است. و شاید که حدیث شریف اشاره باشد به صفت زشت نفاق، و چون این دو صفت از اظهر صفات و اخص خواص منافقان است، به ذکر آنها بالخصوص پرداخته. و نفاق یکی از رذایل نفسانیه و ملکات خبیثه است که این‌ها آثار آن است، و از برای آن درجات و مراتبی است. و ما ان شاء الله در ضمن چند فصل به ذکر مراتب و مفاسد آن و علاج آن به قدر مقدور می‌پردازیم.

مراتب نفاق

بدان که از برای نفاق و دورویی، مثل سایر اوصاف و ملکات خبیثه یا شریفه، درجات و مراتبی است در جانب شدت و ضعف. هر يك از اوصاف رذیله را که انسان در صدد علاج آن برنیاید و پیروی از آن نماید، رو به اشتداد گذارد. و مراتب شدت رذایل چون شدت فضایل غیر متناهی است. انسان اگر نفس امّاره را به حال خود واگذار کند، به واسطه تمایل ذاتی آن به فساد و ناملازمات عاجله نفسانیه و مساعدت شیطان و وسواس خناس میل به فساد کند، و رذایل آن در هر روز رو به اشتداد و زیادت گذارد تا آنجا

رسد که آن رذیله‌ای که از آن پیروی کرده صورت جوهریه نفس و فصل اخیر آن گردد و تمام مملکت ظاهر و باطن در حکم آن درآید.

پس، اگر آن رذیله رذیله شیطانیه باشد، همچون نفاق و دورویی که از خواص آن ملعون است - چنانچه قرآن شریف از آن خبر داده بقوله: **و قاسمهما إني لكما لمن الناصحين**.^[۲] «قسم خورد از برای حضرت آدم و حوّا، سلام الله علیهما، که من از پند دهندگان شما هستم.» با آنکه به خلاف آن بود - مملکت تسلیم شیطان شود، و صورت اخیره نفس و باطن ذات و جوهر آن صورت شیطان گردد، و صورت ظاهر آن نیز در آن دنیا ممکن است صورت شیطان باشد، گرچه در این جا به صورت و شکل انسانی است.

پس، اگر انسان از این صفت جلوگیری نکند و نفس را سرخود کند، به اندک زمان چنان مهار گسیخته شود که تمام همت و همش را مصروف این رذیله کند، و با هر کس ملاقات کند با دورویی و دو زبانی ملاقات کند، و خلط و آمیزش با کسی نکند جز آنکه آلوده باشد به کدورت دورنگی و نفاق، و جز منافع شخصی و خود خواهی و خود پرستی چیزی در نظرش نباشد، و صداقت و صمیمیت و همت و مردانگی را بکلی زیر پا نهد و در تمام کارها و حرکات و سکنت دورنگی را به کار برد، و از هیچ گونه فساد و قباح و وقاحت پرهیز نکند. چنین شخصی از زمره بشریت و انسانیت دور و با شیاطین محشور است.

این‌ها که گفته شد به حسب مراتب شدت و ضعف در خود جوهر نفاق بود، و نیز به حسب متعلق فساد آن فرق دارد. زیرا که گاهی نفاق کند در دین خدا، و گاهی در ملکات حسنه و فضایل اخلاق، و گاهی در اعمال صالحه و مناسک الهیه، و گاهی در امور عادیه و متعارفات عرفیه. و همین طور گاهی نفاق کند با رسول خدا، صلی الله علیه و آله، و ائمه هدی، علیهم السلام، و گاهی با اولیا و علما و مؤمنین، و گاهی با مسلمانان و سایر بندگان خدا از ملل دیگر.

البته این‌ها که ذکر شد در زشتی و وقاحت و قباح فرق دارند، گرچه تمام آنها در اصل خباثت و زشتی شرکت دارند و شاخ و برگ يك شجره خبیثه هستند.

نفاق و دورویی علاوه بر آنکه خود صفتی است بسیار قبیح و زشت که انسان شرافتمند هیچگاه متصف به آن نیست و دارای این صفت از جامعه انسانیت خارج، بلکه با هیچ حیوانی نیز شبیه نیست، و مایه رسوایی و سرشکستگی در این عالم پیش اقران و امثال است، ذلت و عذاب الیم در آخرت است، و به طوری که در حدیث شریف ذکر فرموده صورتش در آن عالم آن است که انسان با دو زبان از آتش محشور گردد، و اسباب رسوایی او پیش خلق خدا و سرافکندگی او در محضر انبیاء مرسلین و ملائکه مقربین گردد. و شدت عذابش نیز از این روایت مستفاد شود، زیرا که اگر جوهر بدن جوهر آتش شد، احساس شدیدتر و الم بیشتر گردد. پناه می‌برم به خدا از شدت آن.

و در حدیث دیگر وارد است که رسول خدا، صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ، فرمود:

«می‌آید روز قیامت آدم دو رو، در صورتی که یکی از دو زبانش از پشت سرش خارج شده و یکی از آنها از پیش رویش، و هر دو زبان آتش گرفته و تمام جسدش را آتش زده‌اند. پس از آن گفته شود این است کسی که در دنیا دورو بود و دو زبان بود، معروف شود به این روز قیامت.»^[۱] و مشمول آیه شریفه است که می‌فرماید: **وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ**.^[۲] سر منشأ بسیاری از مفاسد و مهالك است که هر يك دنیا و آخرت انسان را ممکن است به باد فنا دهد، از قبیل تفتین نمودن، که به نصّ قرآن کریم از قتل نفس بزرگتر است، و مثل نیمه، که حضرت باقر، علیه السلام، فرماید: **محَرَّمَةُ الْجَنَّةِ عَلَى الْقَتَاتَيْنِ الْمَشَّائَيْنِ بِالنَّمِيمَةِ**.^[۳] یعنی «حرام است بهشت بر سخن چینهایی که کارشان آن باشد که راه روند در نیمه و سخن چینی.»، و مثل غیبت، که شدیدتر است از زنا به فرموده پیغمبر^[۴]، صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ، و مثل ایذاء مؤمن و سبّ او و هتک ستر و کشف سر او، و غیر این‌ها که هر يك از آنها برای هلاکت انسان سببی مستقل است.

۱ عن زید بن علی، عن آبائه عن علی، علیهم السلام، قال قال رسول الله، صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ: یجیء یوم القیامة ذو الوجهین، دالعا لسانه فی قفاه و آخر من قدّامه، یلتهبان نارا حتّٰی یلهبّا جسده. ثمّ یشعل له: هذا الَّذِی کان فی الدّٰنِیَا ذا وجهین و لسانین. یعرف بذلك یوم القیامة. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۳۱۶، «عقاب من کان ذا وجهین و ذا لسانین».

۲ «و آنچه را که خدا فرمان به پیوند آن داده می‌گسلند، و در زمین تباهی می‌کنند، بر ایشان نفرین است و منزلگاه بد.» (رعد- ۲۵).

و بدان که داخل است در نفاق و دورویی کنایات و اشارات و غمز و لمزهایی که بعضی نسبت به بعضی دارند، با آنکه در مقابل آنها اظهار دوستی و صمیمیت کنند.

و انسان باید خیلی مواظبت از حال خود کند و در اطوار و اعمال خود دقیق شود که مکاید نفس و دامهای شیطان خیلی دقیق است و کمتر شخصی می‌تواند از آن نجات پیدا کند. ممکن است انسان با يك اشاره در غیر موقع یا يك کنایه بیجا از اهل دورویی و دو زبانی به شمار آید. و شاید انسان تا آخر عمر مبتلای به این رذیله باشد و خود را صحیح و سالم و پاک و پاکیزه پندارد. پس، انسان باید مثل طبیب دلسوز حاذقی و پرستار شفیق مطلعی از حالات نفس و اعمال و اطوار خود مواظبت کند، و هیچ گاه از مراقبت کوتاهی نکند و بداند که هیچ مرضی از امراض قلبیه مستورتر نیست و در عین حال کشنده‌تر نیست، و هیچ پرستاری نباید شفیق‌تر و دلسوزتر از انسان به خودش باشد.

امام خمینی (ره)، چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص: ۱۵۸

نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی (ره) مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور

[۱] اصول کافی، ج ۲، ص ۳۴۳، «کتاب ایمان و کفر»، «باب ذی اللسانین»، حدیث ۱.

[۲] (اعراف - ۲۱).

[۳] و الفتنة أشد من القتل. (بقره - ۱۹۱).

[۴] یا ابا ذر، إياک و الغيبة فإن الغيبة أشد من الزنا. قلت: یا رسول الله و لم ذاک بأبی أنت و أمي؟ قال: لأن الرجل یزني فیتوب إلى الله فیتوب الله علیه. و الغيبة لا تغفر حتی یغفرها صاحبها. (ای ابا ذر، از غیبت پرهیز. بدرستی که غیبت بدتر از زناست. گفتیم: «ای پیامبر خدا، پدر و مادرم به فدایت، از چه سبب چنین است». فرمود: «زیرا که مردی که زنا کرده بسا که توبه نماید، پس خداوند بر او ببخشد، اما غیبت بخشیده نخواهد شد تا آن کس که غیبت او را کرده‌اند از آن درگذرد. (بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۹، «کتاب الروضة»، «باب مواعظ النبی صلی الله علیه و آله و سلم».